

عنوان مقاله:

مبانی واج شناسی شناختی

محل انتشار:

فصلنامه پازند، دوره 10، شماره 37 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسنده:

هنگامه صالحی کوپائی - دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاصه مقاله:

امروزه رویکرد غالب در بررسی‌های واج‌شناختی رویکرد زایشی است، خواه رویکرد زایشی استاندارد و خواه نظریه بهینگی، و اصولاً سخنی از دیگر رویکردها و شیوه تحلیل آنها در واج‌شناسی به میان نمی‌آید. با توجه به اینکه رویکرد شناختی به عنوان رقیبی برای رویکرد زایشی مطرح است، ضرورت بررسی شیوه تحلیل‌های واج‌شناختی شناختی واضح می‌نماید. با در نظر داشتن این موضوع هدف از این نوشته آن است که واج‌شناسی شناختی را به طور مختصر معرفی کنیم. در همین راستا در نوشته حاضر به توصیف دو شیوه از تحلیل‌های واج‌شناختی شناختی، یعنی لیکاف (۱۹۸۹) و نست (۲۰۰۸) پرداخته‌ایم که اولی به عنوان نخستین گام در جهت ارائه تحلیل‌های واج‌شناختی شناختی و دومی به عنوان اثری نوتر و نظام‌یافته‌تر در بررسی‌های واج‌شناختی شناختی در نظر گرفته شده‌اند. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که محققان حوزه شناختی هنوز در ارائه چارچوبی یکدست در واج‌شناسی همراهی نیستند و به راهکارهای تحلیلی یکپارچه‌ای دست نیافته‌اند. به بیان دیگر واج‌شناسی شناختی در ابتدای راه خود قرار دارد و در حوزه واج‌شناسی به نظر می‌رسد که در حال حاضر رویکرد زایشی عملکرد بهتری دارد.

کلمات کلیدی:

واج شناسی، رویکرد شناختی، رویکرد زایشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1362466>

